



خلافت و تفکر انتقادی

در نظام آموزشی

مؤلفین:

دکتر تورج حسینی راد

(عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور استاد لرستان)

دکتر علی امینی

(عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام)

دکتر عقیل احمدی



نهر الهدی
Naher Publication

سرشناسه : حسن‌راده، تورج، ۱۳۵۵ -
 عنوان و نام : خلافت و تفکر انتقادی در نظام آموزشی
 پدیدآور :
 مشخصات نشر : تهران: راشدین، ۱۳۹۴.
 مشخصات : ۲۷۱ ص.
 ظاهری :
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۳۶۱-۱۵۵-۹
 وضعیت فهرست : فبیای مختصر
 نویسی :
 یادداشت : فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nli.ir> قابل دسترسی است
 شناسه افزوده : امینی‌پشت‌تنگ‌علیا، علی، ۱۳۵۸ -
 شناسه افزوده : احمدی، عقیل، ۱۳۴۱ -
 شماره کتابشناسی : ۳۸۶۸۳۷۰
 ملی :



■ انتشارات راشدین

عنوان کتاب:	خلافت و تفکر انتقادی در نظام آموزشی
مؤلفین:	دکتر تورج حسنی راد - دکتر علی امینی - دکتر عقیل احمدی
نظارت کیفی:	رامبد عارفی
نظارت فنی:	محمد معین عارفی
صفحه‌آرا و طراح جلد:	افسانه حسن‌بیگی
چاپ و صحافی:	دی تاب
نوبت چاپ:	اول - ۱۳۹۴
شمارگان:	۱۰۰۰
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۳۶۱-۱۵۵-۹
قیمت:	۱۶۰۰۰۰ ریال
نشانی:	میدان انقلاب - کارگر جنوبی - کوچه گشتاسب - پلاک ۴ واحد ۶
تلفن / نمابر:	۶۶۴۰۸۲۲۴ - ۶۶۱۲۳۴۹

پایگاه اینترنتی: www.rashedin.info
 Email: rashed1829@yahoo.Com

■ پست الکترونیک:

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

۷	 مقدمه مولفین
۱۱	 پیشگفتار
۲۶	 تفکر واگرا
۲۹	 آموزش و پرورش خلاق و پویا
۳۱	 مشکلات مدارس در رابطه با تفکر خلاق
۳۵	 تعاریف خلاقیت
۳۸	 خلاقیت به عنوان الهام خدایی
۳۹	 خلاقیت به عنوان دیوانگی
۴۰	 خلاقیت بعنوان نبوغ شهودی
۴۱	 خلاقیت به عنوان نیروی حیاتی
۴۳	 خلاقیت بعنوان نیروی کیهانی
۴۳	 نظریه تداعی گری
۴۴	 نظریه روانکاوی
۴۴	 نظریه گشتالت
۴۵	 نظریه گیلفورد
۴۷	 خلاقیت و شخصیت
۴۹	 ویژگی کودکان و دانش آموزان خلاق
۵۱	 خلاقیت در نظام آموزشی
۵۳	 دیدگاه عده ای از صاحب نظران در مورد سرکوبی خلاقیت در نظام آموزشی
۶۵	 تدریس چیست؟
۶۷	 روشهای تدریس
۷۴	 موانع ذهنی خلاقیت در تدریس معلم
۷۵	 نقش معلم در تدریس
۷۷	 بارش مغزی
۷۹	 تاثیر و اهمیت معلم در خلاقیت دانش آموزان
۸۲	 راهبردهای تدریس از دیدگاه مکاتب مختلف روانشناسی
۸۴	 شیوه های تدریس در فرایند یاددهی - یادگیری
۸۵	 بهره گیری از روشهای جدید آموزشی
۸۶	 انتخاب راهبردی - یادگیری
۸۶	 رویکردهای آموزشی برای پرورش خلاقیت

۸۶		پرورش خلاقیت در کلاس درس
۸۷		نظریه جان دیویی
۸۸		نظریه تورنس
۹۰		مقایسه روش تدریس فعال و غیر فعال
۹۶		نقش کتابهای درسی دانش آموزان در خلاقیت
۹۷		اهداف و محتوی کتب درسی
۱۰۴		تکنولوژی آموزشی و خلاقیت
۱۰۵		خلاقیت و تجربه
۱۰۸		پرورش خلاقیت دانش آموزان با استفاده از مواد آموزشی
۱۱۰		موانع استفاده از تکنولوژی آموزشی در مدارس
۱۱۱		کمبود مواد آموزشی مناسب
۱۱۲		نقش معلم در استفاده از وسایل کمک آموزشی
۱۱۳		فناوری اطلاعات و ارتباطات
۱۱۴		اهمیت تکنولوژیها و مواد آموزشی نوین در نظام های آموزشی
۱۲۳		تاکید زیاد دانش آموزان به عنوان ملاک خوب بودن
۱۳۱		تعریف مفهومی
۱۳۳		خلاقیت
۱۳۹		اصول خلاقیت
۱۴۰		فرایند خلاقیت
۱۴۱		مراحل والاس
۱۴۵		مراحل امیتین
۱۴۷		مراحل فلدمن
۱۴۹		مراحل آمابایل
۱۵۱		طبقه بندی اهمیت خلاقیت
۱۵۴		شش p خلاقیت
۱۵۸		نظریه های خلاقیت
۱۵۸		نظریه های تحولی (رشدی)
۱۶۱		نظریه های روانسنجی
۱۶۴		نظریه های اقتصادی
۱۶۹		نظریه هایی فرایندهای مرحله ای و اجزایی
۱۷۱		نظریه های شناختی
۱۷۴		نظریه های مبتنی بر حل مسئله و تخصص

۱۷۸	نظریه‌های مسئله‌یابی
۱۸۷	نظریه‌های سنخ‌شناسی
۱۹۰	نظریه‌های نظام‌دار
۱۹۵	خلاقیت و تفکر
۲۰۰	تفکر خلاق در مقابل تفکر سیستم‌بسته
۲۰۰	خلاقیت به‌عنوان تفکر ناخودآگاه در مقابل تفکر خودآگاه
۲۰۱	خلاقیت به‌عنوان تفکر واگرا در مقابل تفکر همگرا
۲۰۲	خلاقیت به‌عنوان تفکر خلاق در مقابل تفکر انتقادی
۲۰۳	خلاقیت به‌عنوان تفکر مولد در مقابل تفکر بازآفرین
۲۰۳	خلاقیت به‌عنوان تفکر افقی در مقابل عمودی
۲۰۴	خلاقیت به‌عنوان کل تفکر
۲۰۵	خلاقیت و آموزش و پرورش
۲۰۹	تشها و دشواری‌های خلاقیت در آموزش و پرورش
۲۱۷	تفکر انتقادی
۲۱۹	تفکر انتقادی
۲۲۱	تاریخچه‌ی اندیشه‌ی تفکر انتقادی
۲۲۶	تعریف تفکر انتقادی
۲۳۷	ویژگیهای تفکر انتقادی
۲۳۹	صفات متفکران انتقادی
۲۴۰	ابعاد شناختی و عاطفی تفکر انتقادی
۲۴۶	تفکر انتقادی و تفکر منطقی
۲۵۰	تفکر انتقادی و تصمیم‌گیری
۲۵۱	تفکر انتقادی و تفکر خلاق
۲۵۳	پیشینه تحقیقات
۲۵۳	پیشینه تحقیقات داخلی
۲۵۷	پیشینه تحقیقات خارجی

مقدمه مولفین

طبق کلام صریح خداوند، انسان اشرف مخلوقات است، خلیفه الهی و جانشینی خداوند در روی زمین بالا ترین رتبه وجودی است، که خداوند تبارک و تعالی به انسان بخشیده است.

در حالیکه هیچ موجودی، حتی ملائکه مقرب نیز از این موهبت برخوردار نمی باشند. این رتبه و شأن متضمن عطیه و موهبتی است الهی که در لسان قرآن از آن به عقل، قوه تفکر، اندیشیدن، اختیار و احساس مسئولیت در قبال هستی نام برده شده است.

بنابر این آنچه که سبب تمایز انسان و حیوان شده است، توانایی تولید ایده ها و اندیشه ها و افکار نو است. چیزی که خداوند آن را تنها در انسان به ودیعه نهاده، و او را از موجودات دیگر برتری داده است.

خلاقیت در انسان شأنتی در طول شئون خلق و ابداع باری تعالی است، و از آنجا که اراده باری تعالی بر آن بوده است، که از انسان این موجود خاکی - ملکی جانشینی را برای خود در روی زمین برگزیند، لذا صفات و ویژگیهایی را که خود داراست، را به خود او بخشیده است، و در این میان صفت خلاقیت و توانایی تولید فکر و اندیشه از صفات بارز و مشخصه بروز و ظهور قوه عاقله انسان است، به همین دلیل باید به اهمیت این موهبت الهی پی برد و شرایط را برای شکوفایی و بروز آن مهیا ساخت.

به فرمایش امام علی (ع): "هیچ ثروتی چون دانایی و هیچ فقری چون نادانی نیست."

توین^۱ بی معتقد است: اگر جامعه و ملتی نتواند از موهبت خلاقیت افراد خود حداکثر استفاده را بکند، و بدتراز آن، اگر آن را سرکوب کند، انسان دیگر از حق ذاتی اش، یعنی اشرف مخلوقات بودن محروم می گردد، زیرا در آن صورت کم ثمر ترین مخلوق است. همین دلیل کافی است که جامعه و نظام آموزشی ما برای تعلیم و تربیت خلاق و برطرف کردن موانع خلاقیت اولویت قائل شود.

پرورش و تولید فکر، اندیشه و ایده والاترین هدفی است که در سرلوحه هر نظام فکری و تعلیم و تربیت هر قوم و ملتی می باشد، تا از طریق آن بهترین شرایط زندگی فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را فراهم آورند.

آرزوی هر ملتی در هر دوره از تاریخ داشتن انسانهایی متفکر، متعهد، مبتکر و با اندیشه های والا است که مایه عزت و سربلندی و پیشرفت مادی و معنوی آن ملت می باشند. خلاقیت و تولید ایده و اندیشه صفت بارز ملتی است، که آینده آنها را بخود می خواند. مردمی که گوششان دعوت زمان را می شنود و چشمشان جلوه شکفتن حقیقت را می بیند و عهدشان، عهد آینده است (اردکانی، ۱۳۷۵: ۹).

کودکان و نوجوانان، آینده سازان هر مملکت و اجتماعی هستند. کوشش برای رفع موانع فکری و ذهنی آنها و فراهم آوردن شرایط مناسب شکوفایی فکر و اندیشه آنها که آینده سازان مملکت و نسل فردای جامعه هستند، از فراست و هوشیاری نسل امروز حکایت دارد.

از آنجا که آموزش و پرورش در هر کشوری سنگ زیربنای توسعه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی می باشد بنابراین مهمترین عامل پیشرفت و توسعه جوامع نیز در اثربخش بودن نظام آموزشی محسوب میشود. لذا شاهد هستیم جوامع مختلف که از رشد و توسعه فزاینده ای برخوردارند آن را مدیون آموزش و پرورش پیشرفته خود می دانند.

در حال حاضر خلاقیت، تولید فکر و ایده از مهمترین اهداف آموزش و پرورش در کشورهای توسعه یافته صنعتی بشمار میرود، و این اهمیت نقش زیربنایی خلاقیت در توسعه و پیشرفت جوامع میباشد.

توشیوو دوکو^۱ از بنیان گذاران ژاپن امروز ضمن مصاحبه ای در اواخر سال ۱۹۶۰ در جریان یکی از سفرهایش در آمریکا می گوید:

" ما نه منبع طبیعی و قدرت نظامی نداریم، فقط یک منبع در اختیار داریم و آن ظرفیت ابداع مغزها و فکرهاست. این منبعی پایان نا پذیر است باید آن را تربیت کرد، شکوفا و مجهز ساخت. این منبع خواه ناخواه در آینده ای نزدیک گرانبها ترین ثروت مشترک همه بشریت خواهد بود.) و گفته است:

ما بمب اتم نمی سازیم و نیازی به ساخت آن نداریم ولی کاری میکنیم که هر نفر ژاپنی به یک بمب اتم تبدیل شود (امیری، ۱۳۶۸: ۴۸).

دراهداف و وظایف آموزش و پرورش جمهوری اسلامی "مصوب مجلس شورای اسلامی در بهمن ۱۳۶۶" نیز به حفظ استقلال و شکوفایی استعدادها توجه جدی شده است.

در بند ۷ از ماده ۲: (آورده اند شناخت و شکوفاندن و پرورش استعداد های دانش آموزان و تقویت روح بررسی و تتبع، ابتکار و خلاقیت در تمام زمینه های علمی، فرهنگی و علوم اسلامی با تاکید بر نفی روحیه مدرک گرایی.)

در بخشی از اصول، مبنای، خط و مشی آمده است: برخورداری از آموزش های عمومی برای کلیه دانش آموزان کشور باید به گونه ای باشد که بر حسب استعداد و جنس از تعلیمات مناسب جهت شکوفایی خلاقیتها بهره مند شوند.

در کشور ما که مدعی استقلال میباشد و خلاقیت، ابتکار و تولید ایده ها و اندیشه های نو برای رشد و ارتقای عملی آن از اهمیت بسزایی برخوردار است، برآستی چقدر در نظام آموزشی ما این مهم مورد توجه قرار گرفته است؟ آیا تاکنون خلاقیت به عنوان یک موضوع جدی مورد توجه قرار گرفته است؟ آیا شکوفایی استعداد های ذهنی و روح ابتکار و خلاقیت با شعار تحقق می یابد؟

اگر برآستی دریافته باشیم که برای نوسازی و توسعه، پیشرفت همه جانبه کشور خود باید به استعدادها و توانایی های خلاق مردم سرزمینمان اتکا داشته باشیم، و کلید توسعه و ترقی همه جانبه خود را در پروراندن و شکوفاندن استعداد های فکری و ذهنی کودکان و نوجوانان به عنوان عامل و محرکه پیشرفت و بارور کننده ثروتها ببینیم، آنوقت وظیفه خطیر نظام آموزشی روشن میشود، و باید دید که چگونه آموزش و پرورش می تواند جوابگوی این نهضت باشد (موسوی، ۱۳۷۷، ص ۶۵).

پیشگفتار

پیوسته این سوال مطرح است که چرا کشوری پیشرفت کرده درحالی که کشور مشابه با منابع اولیه و امکانات بهره وری بالا عقب مانده است.

چه عامل مهمی در شرایط مشابه باعث پیشرفت و موفقیت بعضی کشورها و باعث عقب ماندگی و عملکرد ناصحیح بعضی کشورهای دیگر میشود؟ (الوانی، ۱۳۷۲: ۴۵).

بی گمان آموزش و پرورش هر کشوری زمینه ساز نوآوری و شکوفایی فکر و اندیشه است و ازسویی هم خلاقیت، تولید فکر و اندیشه پیش درآمد توسعه، پیشرفت و تعالی یک جامعه بوده، و هست (واعظی نژاد، ۱۳۸۸، ص ۱۶).

با مقایسه منابع عظیم انسانی و طبیعی کشور خود با منابع جوامع پیشرفته و توسعه یافته صنعتی درمی یابیم که کشور ما با وجود این منابع عظیم، هنوز یکی از کشورهای توسعه نیافته دنیا محسوب می گردد که علت اصلی آن هم عدم تولید فکر و ایده و نبود خلاقیت در جامعه است.

متأسفانه سیستم آموزشی جامعه ما پرورش دهنده و بوجود آورنده افراد خلاق و صاحب ایده و فکر نبوده است و اصلی ترین علت این رکود هم موانعی است که در سیستم آموزشی ما وجود دارد که هریک به نوعی «خلاقیت کش» هستند (نسرین دوست، ۱۳۸۶: ۷).

تحقیقات نشان داده که ۹۸ درصد بچه ها دارای خلاقیت بالایی هستند اما به محض آنکه پای آنها به مدرسه میرسد بخشی از آن از بین میرود و تا سن ۱۲ سالگی به میزان زیادی از جمعیت افراد خلاق کاسته می شود.

پژوهشگران معتقدند، که همه انسانها در دوران کودکی و نوجوانی از استعداد اخلاق برخوردارند، اما عدم وجود محیط مناسب و بی توجهی و عدم تقویت این توانایی و عدم شناخت راههای پرورش و برطرف کردن موانع بروز آن مانع ظهور و شکوفایی آن می گردد.

« تارنس^۱ » پس از تحقیقات گسترده ای که روی اخلاقیت کودکان بعمل آورده، به این نتیجه رسیده است، که منحنی اخلاقیت بسیاری از کودکان در حدود ۱۰ سالگی دچار افت می شود به طوریکه آنان دیگر هرگز اخلاقیت دوران کودکی خود را باز نخواهند یافت (خانزاده، ۱۳۵۸ ص ۴۳).

« ویلیام جینز^۲ » تقریباً " حدود یک قرن پیش به مسئله اخلاقیت اشاراتی داشته است، و بیان کرده که همه ما توانایی و استعداد اخلاقیت را داریم، ولی متأسفانه در طول زندگی و در مسیر آموزش یاد میگیریم، که غیر اخلاق باشیم (مفیدی، ۱۳۷۰: ۱۰).

آندرسن در این زمینه گفته: اخلاقیت در کودکان امری همگانی است در حالیکه در بین بزرگسالان تقریباً " وجود ندارد (خانزاده، ۱۳۵۸: ۱۱).

خود بخود این سوال پیش می آید که چه بر سر این توانایی عظیم بشری آمده است؟ چرا موهبتی که در کودکی کمابیش در همه افراد وجود دارد و به صورت رفتارهای فی البداهه و شگفت آور خود را نشان میدهد پس از گذشت چند سال این چنین کاستی می گیرد؟

بررسی اجمالی وضع نظام آموزشی ما نشان دهنده، وجود مشکلات و بازدارنده های نسبتاً " قابل ملاحظه ای جهت ایجاد جوی مناسب برای پرورش تفکر اخلاق و

آفرینندگی است (مرعشی، ۱۳۷۲، ص، ۶۰).

نظام آموزشی ایران متشکل از مجموعه ای عوامل آموزشی وارداتی است که گزینش و ترکیب آن عوامل تحت تاثیر فلسفه ای خاص قرار دارد. این فلسفه بر اساس گزارش هیئت مشاوران ماوراء البحار (طوسی، ۱۳۴۰، ص ۲۵) چنین آمده است:

"سیستم آموزشی فرانسه بطوریکه در ایران از آن پیروی شده است، بر اصول تحمیل نظر و تمرکز شدید فلسفه پرورش مغز از طریق فراگرفتن موضوعات متنوع درسی متکی می باشد. ..."

چنین فلسفه ای بشکل اجتناب ناپذیری در برنامه درسی، شیوه های تدریس، تربیت معلم و تشکیلات اداری تجلی یافته است.

در کشور ما متأسفانه به دلیل ترجمه ای بودن نظام آموزشی، صرفاً "به غیر از با سواد کردن افراد به مفهوم انتقال دانش، آنهم بصورت ناقص، کار جدی دیگری صورت نگرفته است، و چنان بصورت ظاهری آموزش و پرورش جدید که همان مدرسه رفتن، نمره گرفتن، مدرک گرفتن و میباشد مشغول شده ایم که از آفات آن بی خبر مانده ایم (طوسی، ۱۳۴۰، ص ۲۵).

به نقل از خبر آنلاین: برخی از فعالان حوزه آموزش و پرورش در کشور ما عقیده دارند شیوه های کنونی نظام آموزشی نه تنها به رشد و پرورش خلاقیت در کودکان و نوجوانان کمک نمی کند بلکه باعث رکود فکری و به اصطلاح کشتن خلاقیت در نسلی که قرار است آینده کشور را بسازد می شود. در این عرصه نقش آموزش ابتدایی بعنوان پایه آموزش نقشی بسیار مهم و اساسی تلقی میشود.

روشهای آموزش کنونی برای رشد و پرورش خلاقیت اقدام چندانی انجام نمی دهند و بجای پرورش روح ابتکار، خلاقیت و نو آوری، بر محفوظات ذهنی و تکرار طوطی وار مطالب تاکید می کند (فلاح دار، ۱۳۸۸، ص ۴).

درمیان عوامل موثر در آموزش و پرورش و شکوفایی خلاقیت، معلمان بعنوان رکن اساسی نظام تربیتی، نقش قابل توجهی در شکوفایی یا عدم شکوفایی خلاقیت در دانش آموزان دارند.

معلمان می توانند، با ایجاد شرایط مناسب و مساعد، مشکل گشایان خلاق را پرورش دهند که با رفع موانع و مشکلات موجود برسرراه پیشرفت و توسعه، چرخ های جامعه خود را در جهان پرشتاب امروز به جلو برانند، یا اینکه ناخواسته ندانسته از روشهایی استفاده کنند، که گاه بتدریج و گاه بطور کامل، خلاقیت طبیعی دانش آموزان را سرکوب کند.

«آینده یک جامعه و ملت در دستان معلم است اگر او نتواند افراد مفید و هماهنگ با اهداف جامعه و تغییر و تحولات تربیت کند، یک ملت را به تباهی می کشاند».

یکی از منتقدین تعلیم و تربیت، سیلبرمن^۱، معتقد است «تعلیم و تربیت برای عملی کردن بایستی فرد را برای کاری آماده کند که هنوز وجود ندارد، و ماهیتش را حتی نمی توان تصور کرد» (مهدی زاده و رضوانی، ۱۳۷۴، ص ۳۳۲) یعنی پرورش کودکان ناشناخته برای آینده ای ناشناخته.

از آغاز آموزش و پرورش نوین در کشور ما نزدیک به صد سال می گذرد، در این یک قرن فرازو فرودهای بیشماری بر این دستگاه تولید فکرو اندیشه رفته است که بیان برخی از آنها تولید یاس می کند (نسرین دوست، ۸۶، ص ۷).

در جامعه ما علیرغم داشتن نیروهای مستعد و منابع طبیعی فراوان، توانایی های خلاق و نیروهای فکری هرز می روند و علت اصلی این امر شاید نامشخص بودن جایگاه خلاقیت و فقدان بستر مناسب رشد آن است.

نظام آموزشی با ساختاری نامناسب، برنامه های کلیشه ای، نظام ارزشیابی نمره ای، شیوه های نامناسب گزینش و انتخاب معلمان، روشهای تدریس سنتی، محتوای کهنه کتب درسی، عدم تجهیز مدارس به فن آوریهای نوین و ایراد های دیگر که هر یک به نوعی خلاقیت را از بین می برند، موانع سختی را بر سر راه شکوفایی فکری دانش آموزان قرار داده است (کمالی، ۱۳۸۱: ۱۹).

و به این طریق مانع استقلال فکری افراد و به تبع آن مانع استقلال جامعه می شود.

با عنایت به اهمیت خلاقیت و تولید فکر در نظام های گوناگون، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و به ویژه آموزش و پرورش و ضرورت شناسایی و تقویت هر چه سریعتر این توانمندی که لازمه هر نوع حرکت و تحول پویایی است و نقش حیاتی دانش آموزان پایه ی ابتدایی (که آینده سازان مملکت هستند) در آینده کشور و با توجه به اینکه لازمه پرورش افراد خلاق، شناخت موانع آن و پرورش خلاقیت دانش آموزان و چگونگی کاربردی کردن آن در نظام آموزش و پرورش است.

و به قول پیتر دراگر^۱ پدر علم مدیریت: «اگر کمی تأمل کنیم می بینیم آینده اکنون در میان ماست، احتیاج به مراقبت و نفس کشیدن دارد، و نباید آن را خفه کنیم.»

لذا ما می کوشیم با دوری از تعصب و تنگ نظری، به بررسی مشکلات بی کم و کاست پرداخته و از دایره انصاف نیز گامی بیرون ننهاده باشیم، تا معلوم شود آیا آموزش و پرورش کشور ما در در پرورش و شکوفایی خلاقیّت نقش تعیین کننده داشته یا آن را تباه و نابود ساخته است.

لذا پژوهشگر قصد دارد با انجام این پژوهش، به سوال مطرح شده هم برای خود (به عنوان کسی که به مسائل آموزشی علاقه مند است) و معلمان و مسئولان پاسخ دهد و آن این است که: موانع آموزشی شکوفایی خلاقیّت دانش آموزان پایه ی ابتدایی کدامند تا با الهام از نتایج این پژوهش مسئولان نظام آموزش و پرورش گامی سودمند در جهت بر طرف کردن آنها با توجه به اولویت قرار دادن مقاطع ابتدایی، بردارند.

یکی از توجیه پذیر ترین اشکالاتی که می توان به آموزش در مدارس ابتدایی وارد نمود بی توجهی و سرکوب کردن خلاقیّت یادگیرندگان است. لذا شناسایی این اشکالات و نارسایی های نظام آموزشی، برای فراهم ساختن اطلاعات کافی، جهت برنامه ریزی توسعه ملی امری ضروری است.

بررسی اهداف آموزش و پرورش در سطح جهان و ایران نشانگر آن است، که برای مقابله مناسب با مسائل فردی و اجتماعی پیچیده، نیاز به پرورش افرادی داریم

که با اتکاء به نیروی اراده و تعقل خویش، منطقی و خلاق بیاندیشند، و به جای وابستگی و استفاده از دستاوردهای اقتصادی و فرهنگی دیگران، مولد دانش، تکنولوژی و فرهنگ مناسب برای زندگی مستقل، فعال و خلاق در عصر دانایی باشند. (شهرآرای، ص ۵۳، ۱۳۷۴)

امروزه دانش آموزان برای ورود به هزاره سوم میلادی که عصر دانایی، خلاقیت و نوآوری است، جهت روبرو شدن با تحولات شگفت انگیز قرن بیست و یکم برای تصمیم گیری مناسب و حل مسائل پیچیده، و تبدیل تهدیدها به فرصتها، باید بطور فزاینده ای به مهارت های تفکر خلاق و انتقادی اندیشیدن مجهز شوند.

جهان به سرعت در حال تغییر و تحول است و سرعت این تغییرات هرگز به این شتاب نبوده است. ما نمی دانیم که کودکان در بزرگسالی با چه مسائل، مشکلات و چالش هایی روبرو خواهند شد، ولی آنها برای اینکه بتوانند با مسائل و مشکلات پیش پای خود روبرو شوند، باید خلاق، تولید کننده فکر و ایده باشند.

تغییر و تحول، عدم ثبات و بی اعتبار شدن سریع اطلاعات جدید، از ویژگی های عصر کنونی ماست، ضرورت دارد که فعایت های زندگی به خصوص برای دانش آموزان، به صورتی سازماندهی شود، که از این تغییر و تحولات غافل نمانند.

در این میان مدارس به عنوان مکانی برای تعلیم و تربیت، نقشی مهم و غیر قابل انکار بر عهده دارند، بطوریکه باید شاگردان را برای روبرو شدن با این تغییرات آماده کنند و یادگیری آنها را محدود به محیط مدرسه نکنند. بلکه آنها را طوری بار آورند تا پاسخگوی تغییر و تحولات در محیط زندگی و اجتماعی که در آن زندگی می کنند باشند.